

عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلائل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَابُ الْغُسْلِ

يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ مِنْ خُرُوجِ الْمَنِيِّ^۱ وَمِنْ إِيْلَاجِ الْحَشْفَةِ فِي أَيِّ فَرْجٍ، كَانَ قُبْلًا أَوْ دُبْرًا، ذَكَرًا أَوْ أُنْثَى، وَلَوْ بِهِيمَةً، أَوْ صَغِيرًا فِي صَغِيرَةٍ^۲.

(غسل) بر مرد واجب می شود از: خارج شدن منی و از فرو رفتن کُلاهک آلت تناسلی در هر شرمگاهی؛ (شرمگاه جلو یا عقب باشد، (شرمگاه) مرد یا زن (باشد)، و اگر (شرمگاه) حیوان باشد، یا (فرو رفتن آلت) پسر کوچک در (شرمگاه) دختر کوچک (باشد).

وَيَجِبُ عَلَى الْمَرْأَةِ مِنْ خُرُوجِ مَنِيِّهَا^۳ وَمِنْ أَيِّ ذَكَرٍ دَخَلَ فِي قُبْلِهَا أَوْ دُبْرِهَا، وَلَوْ أَشَلَّ، أَوْ مِنْ صَبِيٍّ، أَوْ بِهِيمَةٍ^۴ وَمِنْ الْحَيْضِ^۵ وَالتَّفَاسِ^۶، وَخُرُوجِ الْوَلَدِ جَافًا^۷. وَإِنَّمَا يَتَعَلَّقُ بِتَغْيِيبِ جَمِيعِ الْحَشْفَةِ.

۱. عَنْ عَلِيٍّ، قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْمَذْيِ، فَقَالَ: مِنَ الْمَذْيِ

الْوَضُوءِ، وَمِنْ الْمَنِيِّ الْغُسْلُ. صحيح، ترمذی ۱۱۴

علی بن ابی طالب می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد مذی پرسیدم. فرمود: از آمدن مذی، وضو لازم می شود و از آمدن منی غسل لازم می شود.

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ. صحيح، ابن

ماجه ۶۰۸

هرگاه دو ختنه گاه به همدیگر رسیدند (دخول صورت گرفت)، بدون شک غسل واجب

می گردد.

۳. عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: جَاءَتْ أُمَّ سُلَيْمٍ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحِي مِنْ الْحَقِّ، هَلْ عَلَى الْمَرْأَةِ مِنْ غُسْلِ إِذَا هِيَ احْتَلَمَتْ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «نَعَمْ إِذَا رَأَتْ الْمَاءَ». بخاری ۲۸۲

أم سلیم گفت: ای رسول خدا! همانا الله عزوجل از بیان حق إبا و امتناع نمی‌ورزد. آیا زن هرگاه خواب دید، غسل بر او واجب می‌شود؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بله، هرگاه آب (منی) دید.

۴. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا جَلَسَ بَيْنَ شُعْبَيْهَا الْأَرْبَعِ وَمَسَّ الْحِثَانُ الْحِثَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ. مسلم ۳۴۹

هرگاه بین دو دست و پای زن نشست و دو ختنه‌گاه به همدیگر رسیدند (دخول صورت گرفت)، بدون شک غسل واجب می‌گردد.

۵. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿فَاعْتَرِزُوا النَّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ سوره بقره، آیه: ۲۲۲

در موقع قاعدگی از (جماع با) زنان کناره‌گیری نمایید و به آنان نزدیک نشوید (کنایه از اینکه جماع نکنید) تا این که پاک بگردند. پس هرگاه (بعد از پاکی) غسل زدند با آنان آمیزش کنید آن گونه که الله عزوجل شما را به آن امر نموده است (یعنی از شرمگاه جلو آمیزش نمایید نه از شرمگاه پشت) همانا الله عزوجل توبه‌کاران و پاکان را دوست دارد.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَإِذَا أَقْبَلَتِ الْحَيْضَةَ، فَدَعِيَ الصَّلَاةَ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاعْتَسَلِي وَصَلِّي. بخاری ۳۲۰

هرگاه قاعدگی رو آورد (آغاز شد)، نماز را رها کن و هرگاه پشت کرد (به پایان رسید) غسل کن و نماز بگذار.

۶. امام نووی در مجموع می‌نویسد: ابن المنذر و ابن جریر طبری و دیگران اجماع علما را در غسل حیض و نفاس نقل نموده‌اند.

۷. زیرا جنین از منی مرد و زن شکل می‌گیرد و حدیث بخاری گذشت که با خروج منی، غسل واجب می‌گردد و فرقی قائل نشد که خروج منی به صورت مایع یا منعقد باشد.

و (غسل) بر زن واجب می‌شود از: خارج شدن منی او، و از هر آلت تناسلی که در شرمگاه جلو یا عقبش داخل شود، و اگر چه (آلت تناسلی) شل باشد، یا از پسر بچه باشد، یا از حیوان باشد؛ و از حیض، و نفاس، و خارج شدن نوزاد به خشکی. و همانا با ناپدید شدن تمام سر آلت تناسلی (غسل) واجب می‌شود.

وَلَوْ رَأَى مَنِيًّا فِي تَوْبٍ أَوْ فَرَّاشٍ يَنَامُ فِيهِ مَعَ مَنْ يُمَكِّنُ كَوْنَهُ مِنْهُ نُدِبَ لَهُمَا الْغُسْلُ، وَلَا يَجِبُ،^۸ وَلَا يَقْتَدِي أَحَدُهُمَا بِالْآخَرِ.

و اگر در لباس یا در بستری که در آن می‌خوابد منی را دید به همراه کسی که امکان دارد منی از او باشد؛ بر هر دو نفر غسل سنت می‌شود و واجب نمی‌شود و یکی از آن دو به دیگری (در نماز) اقتدا نمی‌کند.

فَإِنْ لَمْ يَتَمَّ فِيهِ غَيْرُهُ لَزِمَهُ الْغُسْلُ،^۹ وَيَجِبُ إِعَادَةُ كُلِّ صَلَاةٍ لَا يُحْتَمَلُ حُدُوثُ الْمَنِيِّ بَعْدَهَا، لَكِنْ يُنْدَبُ إِعَادَةُ مَا أَمْكَنَ كَوْنُهَا بَعْدَهُ.

^۸ . زیرا احتمال می‌رود منی از کسی باشد که همراه او خوابیده است. و با شک، غسل واجب نمی‌گردد.

^۹ . زیرا هر کدام از آن دو اعتقاد دارد که منی از خودش نبوده است. نتیجه چنین حاصل می‌شود که در اعتقاد هر کدام، دیگری جنب گردیده پس به نسبت هر کدام، دیگری نمازش باطل است.

^{۱۰} . عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَسَارٍ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ صَلَّى بِالنَّاسِ الصُّبْحَ. ثُمَّ عَدَا إِلَى أَرْضِهِ بِالْجُرْفِ، فَوَجَدَ فِي تَوْبِهِ اِحْتِلَامًا. فَقَالَ: إِنَّا لَمَّا أَصَبْنَا الْوَدَّكَ لَأَنْتِ الْعُرُوقُ. فَاعْتَسَلَ، وَغَسَلَ الْاِحْتِلَامَ مِنْ تَوْبِهِ، وَعَادَ لِصَلَاتِهِ. موطا مالک ۱۵۶

عمر بن خطاب به مردم نماز صبح گزارد. سپس بسوی زمینش در جُرف رفت، ناگهان در لباسش منی یافت. پس گفت: وقتی که روغن به ما رسید رگ‌ها نرم شدند (و به سبب آن احتلام حادث شد) پس غسل زد و اثر منی را از لباسش پاک کرد و دوباره نماز خواند.

^{۱۱} . در نهایی آمده: ماوردی قید آورده که اگر منی را بر لباس زیر (مثلا بر شورت) یافت غسل لازم اوست و اگر بر ظاهر لباس (مثلا بر شلوار) یافت غسل لازم او نمی‌شود زیرا احتمال می‌رود از دیگری باشد پس سنت است غسل بزند. انتهی.

من می‌گویم: اگر فردی شب خوابید سپس بیدار شد و نماز صبح گزارد و سپس خوابید و بعد از آن بیدار شد و نماز ظهر گزارد. ناگهان در لباسش منی یافت در حالی که در تمام این

پس اگر به غیر خودش (کسی دیگری) در آن بستر نخوابیده؛ غسل واجب او می‌شود. و واجب می‌شود تکرار نمازی که بوجود آمدن منی بعد از آن احتمال نمی‌رود. اما سنت می‌شود تکرار نمازی که بودن منی بعد از آن ممکن می‌شود.

وَلَوْ جُمِعَتْ فِي قُبُلِهَا فَاعْتَسَلَتْ، ثُمَّ حَرَجَ مَنِيَّهٗ مِنْهَا، لَزِمَهَا غُسْلٌ آخِرُ بِشَرْطَيْنِ: أَحَدُهُمَا: أَنْ تَكُونَ ذَاتَ شَهْوَةٍ لَا صَغِيرَةً. ^{۱۲} الثَّانِي: أَنْ تَكُونَ قَصَّتْ شَهْوَتُهَا، ^{۱۳} لَا نَائِمَةً وَمُكْرَهَةً. ^{۱۴}

و اگر در شرمگاه جلو (زنی) جماع کرده شد پس غسل زد. سپس منی مرد از زن خارج شد، غسلی دیگر لازم آن زن می‌شود به دو شرط: اول: آن که شهوت‌دار باشد نه دختر کوچک. دوم: آن که شهوت آن زن گذشته باشد نه در خواب (با او جماع شده باشد) و (نه بر جماع) اجبار شده (باشد).

وَيُعْرَفُ الْمَنِيُّ بِتَدْفُقِهِ أَوْ تَلَدُّدِهِ، أَوْ رِيحِ طَلْعِهِ أَوْ عَجِينِهِ إِذَا كَانَ رَطْبًا، أَوْ بَيَاضِ بَيْضٍ إِذَا كَانَ جَافًا،

فَمَتَى وُجِدَ وَاحِدٌ مِنْهَا كَانَ مَنِيًّا مُوجِبًا لِلْغُسْلِ. وَمَتَى فُقِدَتْ كُلُّهَا لَمْ يَكُنْ مَنِيًّا. ^{۱۵}

مدت یک لباس به تن داشته است. چنین فردی، سنت می‌شود که نماز صبح را قضا کند و اما نماز ظهر واجب اوست که اعاده کند. ما می‌گوییم منشأ این منی از خواب قبل از ظهر بوده است زیرا در هر حادثه‌ای اصل بر این است که وقوع آن به نزدیک‌ترین زمان تقدیر کرده شود.

^{۱۲} . زیرا از دختر کوچک منی خارج نمی‌شود. پس معلوم می‌گردد که منی خارج شده از مرد است. و از آمدن منی خود شخص، غسل واجب می‌شود نه از منی دیگران.

^{۱۳} . زیرا اگر در آن جماع، شهوت زن گذشته باشد - یعنی منی او آمده باشد - پس آن چه خارج می‌شود اختلاطی از منی مرد و زن است و گذشت که با خارج شدن منی خود شخص، غسل واجب می‌گردد.

^{۱۴} . زیرا غالباً در این دو حالت، منی خارج نمی‌شود. و با شک؛ غسل واجب نمی‌گردد.

^{۱۵} . زیرا این علامات در منی مطرد است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ﴾. سوره طارق، آیه ۶

انسان از آب جهنده خلقت شده است.

و منی با شدت پرتاب یا (با) لذت بردن؛ یا (با) بوی گرده‌ی نرینه‌ی نخل؛ یا (با بوی) خمیر اگر نمناک بود و رطوبت داشت؛ یا (با بوی) سفیده‌ی تخم‌مرغ اگر خشک بود؛ شناخته می‌شود. پس هرگاه یکی از این (نشانه‌ها) یافته شد منی و واجب‌کننده‌ی غسل می‌باشد. و هرگاه تمامی این (نشانه‌ها) مفقود شد منی نمی‌باشد.

وَلَا يُشْتَرَطُ الْبَيَاضُ وَالشَّحَانَةُ فِي مَنِيِّ الرَّجُلِ، وَلَا الصَّفَرَةُ وَالرَّقَّةُ فِي مَنِيِّ الْمَرْأَةِ،^{۱۶}
وَلَا غُسْلٌ فِي مَذْيٍ، وَهُوَ مَاءٌ أَبْيَضٌ، رَقِيقٌ، لَزِجٌ، يَخْرُجُ بِلَا شَهْوَةٍ عِنْدَ الْمَلَاعِبَةِ،^{۱۷} وَلَا
فِي وَدْيٍ، وَهُوَ مَاءٌ أَبْيَضٌ، كَدِرٌ، نَحِينٌ، يَخْرُجُ عَقَبَ الْبَوْلِ.^{۱۸}

و سفیدی و غلیظی در منی مرد شرط نشده است و نه زردی و نازکی در منی زن. و در مذی، غسل نیست. و آن آب سفید، نازک و چسبنده‌ای است که هنگام عشق‌بازی، بدون شهوت خارج می‌شود. و نه در ودی، (از خارج شدن آن، غسل واجب نمی‌شود) و آن آب سفید، (کمی متمایل به) تیره و غلیظی است که (در اغلب) بعد از ادرار خارج می‌شود.

فَإِنْ شَكَّ هَلِ الْخَارِجُ مَنِيٌّ أَوْ مَذْيٌ تَخَيَّرَ إِنْ شَاءَ جَعَلَهُ مَنِيًّا وَاعْتَسَلَ فَقَطُّ. وَإِنْ شَاءَ جَعَلَهُ مَذْيًا وَغَسَلَ مَا أَصَابَ بَدَنَهُ وَتَوَبَّهُ مِنْهُ وَتَوَضَّأَ وَلَا يَغْتَسِلُ،^{۱۹} وَالْأَفْضَلُ أَنْ يَفْعَلَ جَمِيعَ ذَلِكَ.^{۲۰}

^{۱۶} . زیرا این صفات اغلبی است و مطرد نیست.

^{۱۷} . عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا مَذَاءً وَكُنْتُ أَسْتَحِي أَنْ أَسْأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِمَكَانِ ابْنَتِهِ فَأَمَرْتُ الْمُقَدَّادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: يَغْسِلُ ذَكَرَهُ وَيَتَوَضَّأُ. مسلم ۳۰۳

من شخصی بودم که مذی من، بسیار می‌آمد و به خاطر جایگاه دختر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم به نزد من، شرم داشتم که (در این رابطه) از ایشان بپرسم. به مقداد بن الأسود امر نمودم مقداد از ایشان سوال نمود. ایشان فرمودند: شرمگاهش را می‌شوید و وضو می‌گیرد.

^{۱۸} . امام نووی در مجموع می‌نویسد: علماء بر نجاست مذی و ودی اجماع نموده‌اند.

^{۱۹} . در مغنی آمده: زیرا اصل، براءت او از دیگری است و معارضی برای آن نیست.

^{۲۰} . در فتح آمده: به خاطر احتیاط در امر عبادت. می‌گوییم: همچنین خروج از خلاف قول ضعیفی از علما که انجام هر دو را واجب دانسته‌اند.

پس اگر تردید داشت (که) آیا خارج شده، منی یا مزی است؟ اختیار دارد اگر بخواهد آن را منی قرار می‌دهد و فقط غسل می‌زند. و اگر بخواهد آن را مزی قرار می‌دهد و آن چه از آن، به بدنش یا لباسش اصابت کرده را می‌شوید و وضو می‌گیرد و غسل نمی‌زند و بهتر است که همه‌ی این (کارها) را انجام دهد.

وَيَحْرُمُ بِالْجَنَابَةِ مَا حَرَّمَ بِالْحَدِيثِ " وَكَذَا اللَّبْتُ فِي الْمَسْجِدِ " وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَلَوْ بَعْضَ آيَةٍ،^۳ وَيُبَاحُ أَذْكَارُهُ لَا يَقْصِدُ الْقُرْآنَ، فَإِنْ قَصَدَ الْقُرْآنَ عَصَى، أَوِ الذَّكْرَ أَوْ لَا شَيْءَ جَازَ،^۴ وَلَهُ الْمُرُورُ فِي الْمَسْجِدِ،^۵ وَيُكْرَهُ لِغَيْرِ حَاجَةٍ.^۶

^{۲۱} . دلایل آن در باب وضو گذشت.

^{۲۲} . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا

مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا﴾^۳ سورة نساء، آیه: ۴۳

(به مواضع) نماز (یعنی مساجد) نزدیک نشوید در حالی که مست هستید تا این که بدانید چه می‌گویید و نه در حالت جنابت، مگر عبور کننده (از مسجد باشید)، تا این که غسل بزنید. یعنی شخص جنب نمی‌تواند در مسجد بماند فقط به او اجازه داده شده که بدون توقف از مسجد گذر کند.

چکیده‌ای از تفسیر طبری، ابن ابی‌حاتم، ابن کثیر، قرطبی و دُر المنثور در مورد آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء: امام شافعی و بسیاری از علما ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ﴾ را به مواضع نماز تفسیر نموده‌اند زیرا در آن زمان همه‌ی مردم در مسجد نماز می‌گزارند و تخلف نمی‌کردند. پس تعبیر به ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ﴾ اراده‌ی نهی از نماز گزاردن در مواضع نماز است. زیرا از این طریق کلام مختصر و پرمعنا می‌گردد.

همچنین روایت شده زمانی که در بعضی از خانه‌ها به داخل مسجد باز می‌شد، کسانی که جنب بودند از منزل خارج شده و داخل مسجد رفت‌وآمد می‌کردند تا این که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستور داد تمام درها به داخل مسجد بسته شود مگر خوخه‌ی ابوبکر صدیق.

همچنین ﴿عَابِرِي سَبِيلٍ﴾ را به عبور کننده از مسجد تفسیر نموده‌اند زیرا اگر به مسافر تفسیر کرده شود در کلام، تکرار حاصل می‌شود به دلیل این که دنباله‌ی آیه در مورد مسافر خواهد آمد که هرگاه آب نیافت؛ تیمم کند.

امام شافعی در الأم می‌نویسد: باید به مواضع نماز تفسیر شود زیرا تفسیر کردن ﴿عَابِرِي سَبِيل﴾ به عبور کردن در نماز، معنایی نمی‌دهد (زیرا انسان در نماز نمی‌تواند حرکت کند). کسانی که به این رأی رفته‌اند از اصحاب: ابن مسعود، ابن عباس، ابوالزبیر، انس بن مالک و جابر بن عبدالله و از تابعین: حسن بصری، سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی، ابن شهاب زهری، مجاهد، عطاء، ابوالضحی، مسروق، زید بن أسلم، عمرو بن دینار، حکم بن عتیبه، عکرمه، قتاده و یحیی بن سعید انصاری.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي لَا أُحِلُّ الْمَسْجِدَ الْحَائِضَ وَلَا جُنْبٍ. ابوداود ۲۳۲، حافظ در التلخیص الحبیر ۱۸۵ می‌نویسد: ابن خزیمه آن را صحیح و ابن القطان آن را حسن دانسته، زیلعی در نصب الرایه ۱۹۴/۱ نیز آن را حسن دانسته، اما برخی از علما آن را ضعیف دانسته‌اند.

همانا من ورود حائض و جنب را به مسجد، حلال و روا نمی‌دارم.

۳۳ . رَوَى مَالِكٌ، أَخْبَرَنَا نَافِعٌ، عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّهُ، كَانَ يَقُولُ: لَا يَسْجُدُ الرَّجُلُ، وَلَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ. صحیح. الموطأ ۲۹۸ به روایت محمد بن حسن شیبانی.

فردی سجود تلاوت نکند و قرآن نخواند مگر این که او پاک باشد.

عَنْ إِبْرَاهِيمَ، أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ كَانَ يَمْشِي نَحْوَ الْفَرَاتِ وَهُوَ يَقْرَأُ رَجُلًا، فَبَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ فَكَفَّ الرَّجُلَ عَنْهُ، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: «مَا لَكَ؟» قَالَ: إِنَّكَ بُلْتٌ، فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: إِنِّي لَسْتُ بِجُنْبٍ. صحیح. مصنف ابن ابی شیبه ۱۰۸۱

عبدالله بن مسعود به طرف فرات می‌رفت در حالی که برای شخصی قرآن می‌خواند. ابن مسعود قضای حاجت نمود. آن شخص از ابن مسعود اعراض کرد. ابن مسعود گفت: تو را چه شده است؟ (یعنی چرا نمی‌خواهی به تلاوت گوش فرا دهی؟) گفت: شما قضای حاجت نمودید. ابن مسعود گفت: من جنب نیستم (که نتوانم قرآن بخوانم. یعنی با بی‌وضوئی می‌توان قرآن تلاوت نمود اما با جنابت نمی‌توان تلاوت نمود و حرام است).

عَنْ عُبَيْدَةَ، عَنْ عُمَرَ، قَالَ: لَا يَقْرَأُ الْجُنْبُ الْقُرْآنَ. صحیح. مصنف ابن ابی شیبه

۱۰۸۰

شخص جنب قرآن نخواند.

عَنْ أَبِي الْغَرِيفِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ: شَهِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ بَالَ، ثُمَّ قَالَ: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ مَا لَمْ يَكُنْ أَحَدُكُمْ جُنْبًا، فَإِذَا كَانَ جُنْبًا فَلَا وَلَا حَرْفًا وَاحِدًا. صحيح. مصنف عبدالرزاق ۱۳۰۶

دیدم که علی بن ابی طالب قضای حاجت نمود، سپس گفت: تا وقتی که یکی از شما جنب نبود، (می تواند) قرآن بخواند. اما اگر جنب بود پس نه، حتی یک حرف.

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْضِي حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَخْرُجُ فَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَيَأْكُلُ مَعَنَا اللَّحْمَ، وَلَا يَحْجِرُهُ - وَرَبَّمَا قَالَ: يَحْجِبُهُ - مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ لَيْسَ الْجَنَابَةَ. مسند احمد ۶۳۹، ابوداوود ۲۲۹، نسائی ۲۶۵. برخی از علما آن را ضعیف دانسته اند. اما ترمذی، ابن حبان، ابن خزیمه، ابن عبدالبر، عبدالحق اشبیلی، ابن السکن، بغوی، احمد شاکر، شعیب ارناؤوط آن را صحیح دانسته اند و همچنین حاکم در مستدرک ۵۴۱ صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

رسول الله صلی الله علیه وسلم قضای حاجت می کرد سپس خارج می شد و قرآن می خواند. و (همچنین) همراه ما گوشت می خورد (سپس قرآن می خواند). و هیچ چیزی او را از قرآن خواندن باز نمی داشت مگر جنابت.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: أَرْبَعٌ لَا يَحْرُمْنَ عَلَى جُنْبٍ وَلَا حَائِضٍ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. اسناده جيد. سنن الدارمی ۱۰۴۰

چهار چیز بر جنب و حائض حرام نمی شود: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. از این روایت معلوم می شود که خواندن بعضی چیزها بر جنب و حائض حرام می شود.

اما حدیثی که ترمذی ۱۳۱ و غیر او از ابن عمر روایت کرده اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: لَا يَقْرَأُ الْجُنْبُ وَالْحَائِضُ شَيْئًا مِنَ الْقُرْآنِ. به اتفاق حفاظ، ضعیف است. نصب الرایه ۱/۱۹۵، التلخیص الحبیر ۱۸۳ جنب و حائض نباید چیزی از قرآن را بخوانند.

^{۲۴} . قرآن به قصد ذکر چنین است که مثلا هنگام خواب جهت حفظ کردن خود، آیه الکرسی می خواند یا هنگام سوار شدن بر مرکوب می گوید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

و با جنابت چیزهایی حرام می‌شود که با بی‌وضوئی حرام می‌شوند و (افزون بر آن) همچنین ماندن در مسجد، و قرائت قرآن و اگر قسمتی از یک آیه باشد. و اذکار قرآن مباح می‌شوند نه به قصد قرآن. پس اگر قصد قرآن کرد گناهکار می‌شود. یا (قصد) ذکر (کرد) یا (قصد) چیزی نکرد جایز می‌شود. و عبور در مسجد برایش اجازه است اما بدون حاجت مکروه می‌شود.

وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿ [الزخرف: ۱۳] یا هنگام مصیبت می‌گوید: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقره: ۱۵۶]

یا به قصد چیزی نمی‌خواند مثلا قصه‌ی قرآنی را بازگو می‌کند.

۲۵ . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا

مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا﴾ سوره نساء، آیه: ۴۳

(به مواضع) نماز (یعنی مساجد) نزدیک نشوید در حالی که مست هستید تا این که بدانید

چه می‌گویید و نه در حالت جنابت، مگر عبور کننده (از مسجد باشید)، تا این که غسل بزنید.

۲۶ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ أَنْ يَمُرَّ الرَّجُلُ فِي

الْمَسْجِدِ لَا يُصَلِّي فِيهِ رُكْعَتَيْنِ. صحیح لغیره، صحیح ابن خزیمه ۱۳۲۶

از نشانه‌های قیامت است که شخصی داخل مسجد عبور می‌کند و در آن دو رکعت نماز

نمی‌گذارد.

عَنِ الشَّعْبِيِّ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

«مِنْ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ أَنْ يُرَى الْهَلَالُ قِبَلًا، فَيُقَالُ لِلْيَلْتَيْنِ، وَأَنْ تُتَّخَذَ الْمَسَاجِدَ طُرُقًا،

وَأَنْ يَظْهَرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ». المعجم الأوسط للطبرانی ۹۳۷۶

از نشانه‌های قیامت است که ماه بزرگ شود بطوری که گفته می‌شود: ماه دو شبه است؛

و مساجد، راه گردد؛ و مرگ ناگهانی ظاهر شود.